

رهائی زنان شرط رهائی جامعه

شما به ندرت حضور زنان کارگر- چه رسد به فرزندان و خویشاوندان- را در اعتراضات کارگران مرد مشاهده می کنید. در موارد استثنائی، زنان کارگر نه با تشویق همسرانشان، بلکه با انگیزه و ابتکار خودشان در اعتراضات کارگران مرد شرکت می کنند. چرا، این دویارگی در درون طبقه کارگر وجود دارد؟ چرا مردان کارگر نصف قدرت طبقاتی شان را نادیده می گیرند، چرا، زنان در سنگر مبارزات کارگران مرد غایبند؟ جوابش ساده است. جامعه سرمایه داری در عام و جامعه سرمایه داری ایران با ایدئولوژی مذهب شدیداً پدرسالارانه است. سنت، دیرمان، پدرسالاری منزلت برتر مرد و موقعیت دون تر زن را توجیه می کند. عموماً، مرد کارگر مرد سالار است. او همسرش را خانه دار می بیند و نه هم رزم زمین مبارزه طبقاتی.

دیرمان پدرسالاری پدیده روابط سرمایه داری نیست. بلکه، روابط سرمایه داری سنت پدرسالاری دوران پیشا-سرمایه داری را مطابق با نیازهایش بخدمت گرفت.

در دوره نوسنگی، فرایند زندگی انسان ها بر پایه شکار و جمع آوری نباتات، با اهلی کردن حیوانات چونان گاو... و کشت کشاورزی متحول شد. حدود ۵۵۰۰ پیش در تمدن سومریها واقع در بین النهرین، مسوپوتامیا(۱)، جوامع اشتراکی، کمونی، زن سالاری با برابری جنسی با قهر به روابط طبقاتی پدرسالاری دگرگون شد(۲).

بقیای جوامع کمون های اولیه با برابری جنسی در نکات متعددی از جهان کشف گردیده اند. یک مورد برجسته، تمدن دره ایندوس واقع در پاکستان و شمال غربی هندوستان بوده است، که برای هزار سال جامعه کمونی تجربه می شد. در اوائل قرن بیستم، یک نفر از باستان شناسان آمریکائی از کشف تمدنی بدون دولت در دره ایندوس به حیرت فرورفته بود- مگر بدون دولت و رئیس جمهور و شاه می شد جامعه را سامان داد.

ولی، بیش از هر مورد دیگر، تحقیقات دوران ساز انسان شناس، آنتروپولوژیست، آمریکائی لوئیز هنری مورگان در میان قبیله ایرکوتز از بومیان آمریکائی جلب توجه می کند. مورگان در اینجا منشاء خویشاوندی در دوران مادرسالاری را کشف کرد(۳). شاید بی مناسبت نباشد، بخاطر رژیم سرمایه داری ایران با ایدئولوژی مذهب شیعه به این نقل قول از آخوندها در واقعه کربلا اشاره کنم. شمر و ابوالفضل، هردو، از قبیله بنی کلاب بودند. شمر در شب عاشورا جلو خیمه عباس می آید و ندا می دهد خواهر زاده من برای شما از این زیاد امان نامه آورده ام- ولی عباس واقعا خواهر زاده شمر نبود، بلکه، به عنوان پس مانده از سنت های دوران مادرسالاری، در قبیله شمر و عباس فرزندان به خویشاوندی زن نسبت داده می شدند و نه مرد.

نگرش روابط سرمایه داری نسبت به زنان

موقعیت زنان در سرمایه داری های بورژوا-دموکراتیک

اکنون در سرمایه داری های غرب نابرابری جنسی اساس قانونی ندارد. با رویداد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، زنان روسیه برابری جنسی، از جمله حق رای، را کسب کردند. در حالی که، امپراطوری انگلستان، آمریکا و فرانسه، به ترتیب در سال های ۱۹۱۸، ۱۹۲۰ و ۱۹۴۵ به زنان حق رای اعطا کردند، که البته بی تاثیر از انقلاب روسیه نبوده است. بنابراین، در کشورهای غربی به اصطلاح دموکراتیک، پیش از تاریخ های بالا پدرسالاری و بی حقوقی زنان مبنای قانونی داشت. اما دادن حق رای به زنان نه برزمینه انفعال گذشته زنان بوده و نه اعطاء حق رای تبعیض، نابرابری و ستم به زنان را به بایگانی تاریخ سپرد.

در قرون وسطی، نیاز نبود که زن و مرد، عاشق و معشوق، در کلیسا ازدواج کنند. برابر با اسناد ثبت شده دختر و پسر در راه، داخل میخانه، پاب، در منزل دوست، حتی داخل رختخواب باهمدیگر ازدواج می کردند.(۴). در قرن شانزدهم، در زمان ملکه الیزابت اول تقریباً یک سوم عروس ها در موقع مراسم ازدواج حامله بودند(۵). سخن کوتاه، همخوابه شدن دختر و پسرپیش از ازدواج برچسب زنا نداشت، بلکه امری عادی بوده است.

قرن هیجدهم عصر بی همتای خصوصی کردن زمین و بدن زنان بود. در مورد اول، اراضی اشتراکی خارج از شهرها، که قرن ها دهقانان برای چرا از آن ها استفاده می کردند، دورشان حصار کشیده شد، و به تملک ملاکین بزرگ در آمد. این فرایند بطور قانونی عملی گردید. بین سال ۱۷۴۰ تا اوائل قرن نوزدهم تعداد ۱۰۶۰ لایحه حصار کشی دور زمین های عمومی، اشتراکی، به تصویب پارلمان رسید(۶). عواقب این فرایند موضوع مطلب جاری نیست. گرچه، تاریخدانان به فرایند حصارکشی زمین های اشتراکی، عمومی، پرداخته اند. ولی، کمتر به محصور شدن بدن زنان در قرن هیجدهم عطف توجه کرده اند.

"تأثیرات محصور کردن بدن زنان هدفش تقسیم زنان به دو قشر بود: زنان ازدواج کرده کاملاً به تملک یا کنیزمرد سقوط کردند و زنی که هنوز ازدواج نکرده و یا شوهرش او را ترک کرده بود، اکنون به یک مرد یا برده دار تعلق نداشت، بلکه در معرض چاله ملک، دارائی، همگانی مردان می افتاد.

قطعه قانونی که به همان سفتی و سختی حصارکشی زمین ها بدن نسوان را محصور کرد، لایحه ازدواج، سال ۱۷۵۳، بود، که از طرف لرد هاردویک به پارلمان تقدیم شد: مطابق نص صریح این قانون محض هستی یا وجود قانونی زن با ازدواج به حالت تعلیق در می آید، و یا حد اقل وجود زن در وجود مرد ادغام می شد(۷)"

"ارتباط بین تصاحب زمین های عمومی، اشتراکی، و تصاحب زنان به عنوان ملک شخصی مرد تصادفی نبود. درست بهمان نحوه "زمین دار- سرمایه دارها" خواستند زمین های گسترده ای را به چنگ آورند، آنها بر این شدند تا پسران حقیقی(حلال زاده) وارث دارائی شان گردند. در آن زمان آزمایش خون برای اثبات پدر واقعی فرزند را حتی در خواب هم ندیده بودند، و کسی نمی دانست دی ان ا(DNA) چیست. پس، راه حل سرمایه داران چه بود؟ آنها دقیق ترین شیوه کنترل بدن زن را ابداع کردند. سرمایه داران این ترفند را با غیرقانونی کردن تمام گونه های ازدواج مرسوم آن زمان، به جز یک نوع ازدواج رسمی و دائمی (در کلیسا و توسط کشیش) را عملی کردند. مشابه تصویب قوانین حصارکشی زمین های اشتراکی، قوانین متعددی برای محصور کردن بدن زنان به تصویب پارلمان رسید. تنها یک مفر درخواست طلاق از پارلمان برای زنان طبقات مرفه باقی ماند. البته، بسیار پرهزینه بود و به زمان درازی نیاز داشت. علیرغم این طریق بسیار دشوار، زنانی از طبقات مرفه توانستند طلاق بگیرند، ولی مطابق قانون زن مطلقه نمی توانست ازدواج کند، ولی، ازدواج برای مردیکه زنش از او طلاق گرفته بود، مجاز بود! اگر زنی از دست شوهر ناراضی اش فرار می کرد، از جامعه طرد می شد، حتی اجازه دیدن بچه ها را نداشت. مسخره آمیزترین مصوبه پارلمان گفتگوی زن سرمایه دار با مردی غیر از شوهرش را به عنوان مکالمه جنائی و تجاوز به دژحریم ازدواج تعریف می کرد(۸). مطابق قانون، مرد اجازه داشت زنش را با چوبی نه کلفت تر از انگشت شست کتک بزند! اگر مردی از زنش سیر می شد، او را تا آخر عمرش زندانی میکرد و یا با این بهانه که زنش دیوانه شده است، زن بیچاره را به دارالمجانین زنان خطرناک می فرستاد.

با اجرا شدن قوانین بالا زن عملاً کنیز(برده مونث) سرمایه دار گردید. در آغاز قرن ۱۸ دو روئی پدرسالاری آن چنان قوام گرفته بود، که وکیلی بنام توماس ارسکین، در یک سخنرانی در پارلمان انگلستان ادعا کرد که زنا کردن بدترین جنایتی است که فردی مرتکب شود، البته، با این آگاهی که

شنوندگان مرد می فهمیدند که منظور جناب ایشان اشاره به رفتار زنان است و نه مردها (۹). سرمایه داران برای سرپوش گذاشتن روی سلطه کامل بر بدن زنان، از یک طرف و تصاحب دارائی، از سوی دیگر، با کلیسای انگلستان، Anglican Church، میثاقی بستند: اینکه حق دخالت در زندگی خصوصی افراد در اختیار کلیسا گذاشته شد و متقابلاً کلیسا شرط مشروع یا حلال زاده بودن فرزند مذکر به عنوان وارث پدر را تضمین کرد. همچنین این قرار داد موقعیت کلیسا را به عنوان مرجع تشخیص اخلاق جامعه، که در قرون شانزدهم و هفدهم رنگ باخته بود، دوباره زنده کرد (۱۰).

مری ولستونکرافت، و چالش پدرسالاری

مری ولستونکرافت در سال ۱۷۵۹ متولد شد و در سال ۱۷۹۷، در پی زایمان دومین بچه اش با تب نفاسی درگذشت. پدر مری ولستونکرافت ارث کلان پدری را در فعالیت های تجاری ماجراجویانه از دست داد و به الکل پناه برد. مری کوچک بارها شاهد بود که چگونه پدر بد اخلاق مادرش را کتک می زد، دل و جان ظریفش را به درد می آورد. مری سعی می کرد مادرش را از خشم پدر حفظ کند. ولی، طفلک مورد محبت خاص مادر نبود. مری شیفته کتاب بود، و در جستجوی محبت در خارج از خانه. مری از نوجوانی با تدریس بچه های متولین معاشش را تامین کرد. سپس مدرسه ای دایر نمود، و در اینجا تحت تاثیر مربی اش دکتر پرایس رادیکال قرار گرفت. مری ولستونکرافت جذب اندیشه های عقل گرایی دوران روشنگری گردید. مری، دکتر پرایس، تامس پن (۱۱)، ویلیام بلک، ویلیام گادویل و هنری فوسلی ... را گروه رادیکال ها را تشکیل دادند. رادیکال ها با مسرت انقلاب کبیر فرانسه را استقبال کردند (۱۲).

مری ولستونکرافت نه فقط جامعه پدرسالاری و قوانین ضد زن را به نیش انتقاد قلمش گرفت، بلکه، به عنوان مبارز پیشتاز حقوق زنان ازدواج بورژوائی با تبرک کلیسا را رد کرد. مری منادی گر و مبشر عشق آزاد گردید. مری ولستونکرافت فمینیست عاشق شد و جسورانه دست در دست و دل در دل دلدار اش گذاشت و بدون ازدواج بچه ای زانید. مری ولستونکرافت بی باکانه برای استقلال و خودمختاری زنان پافشرد. کتابش: "در حقانیت حقوق زنان، The vindication of the right of women" در طول قرن نوزدهم عملاً سانسور شد و در دهه شصت قرن بیستم بود که فمینیست ها اندیشه های مری ولستونکرافت را کشف کردند.

جنبش حق رای برای زنان، Suffragette

گرچه تاسیس "سافرجت زنان" پیش از و بعد از ۱۸۳۲ به نوعی موضوع سیاسی گردید، ولی از سال ۱۸۷۲ بود که به یک جنبش سراسری گسترش یافت (۱۳)

امیلن گولدن و دکتر ریچارد مارسدن پانکهرست، هر دو به خانواده های بزرگ لیبرال در منچستر تعلق داشتند. امیلن و ریچارد در تب و تاب پروپاگاندای ضد جنگ در دهه ۱۸۷۰، با هم آشنا شدند و در سال ۱۸۷۹، باهم ازدواج کردند. امیلن ۲۱ سال داشت. امیلن، وقتی در نخستین جلسه سافرج شرکت کرد، ۱۴ سال سن داشت. اولین فرزندش کریستابل هریت در سال ۱۸۸۰ متولد شد، و سوگلی مادرگردید. در تاریخ ۵ می ۱۸۸۲ دومین فرزند بنام استل سیلویا به دنیا آمد (۱۴). دهه ۱۸۸۰، سالهای پر جوش و خروش اجتماعی و سیاسی بود. در سال ۱۸۸۶ تظاهرات کارگران علیه فقر و بیکاری به خشونت کشیده شد و تعدادی از سوسیالیست ها دادگاهی شدند. سال بعد، تظاهرات علیه سرکوب مردم ایرلند در میدان ترافالگار به یکشنبه سیاه معروف گردید. در واکنش به این خشونت، کمپین آزادی سخن راه افتاد. در سال ۱۸۸۸ کارگران دختر کارخانه کبریت سازی "براین می، Bryn May" اعتصاب کرده و تشکیل اتحادیه دادند. مبارزه جوئی این ها، انگیزش اعتصاب کارگران معروف به پیدی (۱۵) گردید، که با مبارزانشان موفق شدند اتحادیه های خود را سازمان دهند. اعتصاب

کارگران دختر کبریت سازی موجی از اعتصابات در باراندازی ها، کارگران گاز و غیره را متحد گردید. و برای اولین بار اتحادیه گری نوین کارگران دستی با جهت گیری سوسیالیستی تاسیس گردید. "اتحادیه گری نوین" سطحی از میلیتنتی و خود-سازماندهی طبقه کارگر را پدیدار کرد، که از زمان جنبش چارتیست ها بی سابقه بود. دختر کوچک مارکس "النا، Eleanor" در صدر رهبری جنبش نوین کارگری قرار گرفت (۱۶)(۱۷). النا کمبود گفتار رهائی زنان دوران مری ولستونکرافت را- در آن زمان، هنوز طبقه کارگر در حال تکون بود- با پیوند زدن به زنان کارگر تکمیل نمود. النا اولین زن فمینیست سوسیالیست با فعالیت عمیق در درون زنان و مردان کارگر بود.

در دهه ۱۸۸۰ ریچارد و امیلین به گرایش رفرمیست فابین پیوستند (۱۸). این دو، نظیر بسیاری از سوسیالیست های رفرمیست معتدل، تنها تماس حاشیه ای با اتحادیه گری نوین داشتند. در سال ۱۸۹۳ حزب کارگر مستقل، Independent Labour Party، تاسیس گردید. در اوائل دهه ۱۹۰۰ پانکهرست ها درگیر رویدادهای درون طبقه کارگر شدند. در سال ۱۹۰۰ کنگره اتحادیه های کارگری کنفرانسی برگزار کرد، گرچه اکثریت حاضرین از اتحادیه های کارگری بودند، گروه های سوسیالیست منجمله حزب کارگران مستقل نیز شرکت کردند؛ و مآلا به تاسیس حزب کارگر در سال ۱۹۰۶ میوه داد (۱۹). این رویدادها تاثیرات عمیقی در جنبش حق رای برای زنان، سافریجت، گذاشت. فعالان جنبش سافریجت سنتا متحد حزب لیبرال بودند. در سال ۱۸۹۷، سازمان های زنان سافریجت متحد شدند و "اتحادیه ملی جوامع زنان سافریجت، National Union of Women's Suffrage Societies" را بنیاد کردند. در همین برهه، در شمال شرق انگلستان زنان کارگر در صنعت پنبه بیش هر بخش دیگری گسترده تر در اتحادیه متشکل شده بودند. در تابستان سال ۱۹۰۳، زنان صنعت پنبه اولین "سازمان حق رای برای زنان کارگر" را سامان دادند، و زنان کارگر نساجی لنکشایر و چشایر و دیگر زنان کارگر "کمیته نمایندگی" را سازمان دادند. این گروه های کمپین زنان کارگر به سافرجیست های رادیکال معروف شدند.

گرچه، سافرجیست های رادیکال مبارزه شان برای حق رای زنان را جزئی از مبارزه طبقه کارگر می دیدند، ولی، همه بخش های اتحادیه ها از جنبش حق رای زنان پشتیبانی نکردند. با رفرم های پیشین مردها با داشتن مسکنی به ارزش ۱۰ پوند حق رای کسب کردند- ۴۰ درصد کارگران کم بضاعت از حق رای محروم بودند. با شرط بالا بخش قابل ملاحظه ای از زنان کم بضاعت نیز از حق رای بی بهره می شدند. براین پایه، عده ای کمپین حق رای برای زنان را چندان دموکراتیک نمی دیدند، و متقابلا از حق رای برای بزرگسالان پشتیبانی میکردند. این گفتار و موضوعات دیگر رابطه امیلین پانکهرست با اتحادیه های کارگری را تیره کرد، و "اتحادیه سیاسی-اجتماعی زنان" کمپین حق رای برای زنان را سامان داد (۲۰).

علیرغم تنش با بخشی از جنبش کارگری، اس ا ز، قویا در درون جنبش کارگری ریشه کرده بود، و مشابه سافرجیست های رادیکال، از وفاداری تاریخی با لیبرال ها بریدند.

"ان کنی، Annie Kenney" کارگزن کارخانه نساجی، یکی از اعضای برجسته "اس ا ز" بود. اس ا ز به تشکیل "اتحاد دستمزد برابر" منچستر کمک کرد و از کمپین ایجاد کار برای بیکاران پشتیبانی نمود و فعالانه برای خواست حق رای زنان در انتخابات پارلمان ۱۹۰۶ کنش کرد... این جهت گیری اس ا ز را به جنبش رادیکال زنان شمال انگلستان نزدیک کرد و از سافرجیست ها دور (۲۱).

از همان ابتدا، سیلویا پانکهرست بیشتر در جنبش کارگری دخالتگری کرد تا در جنبش زنان برای حق رای. ولی، خواهرش کریستابل حمایت از جنبش کارگری را از منظر اقتضا یا ضرورت می دید، تا منفعت مشترک جنبش کارگری با خواست حق رای برای زنان را. این دیدگاه کریستابل به روشنی با کنترل کردن جنبش زنان از اواخر ۱۹۰۶ پدیدار شد، و بدین ترتیب، با مادرش پیوند با جنبش کارگری را قطع کرد و باعث انشعاب اس ا ز، در سال ۱۹۰۷، گردیدند. در تقابل، سیلویا موضع کارگری و سوسیالیستی اش را ارتقا داد و یکی از رهبران جنبش سوسیالیستی علیه جنگ جهانی اول امپریالیستی و حامی وفادار انقلاب روسیه گردید (۲۲).

اعتصاب غذای زنان زندانی برای حق رای و واکنش دولت انگلستان

از سال ۱۹۱۳، سافرجیست ها برای تهییج مردم به تاکتیک های فداکاری بی نتیجه دست زدند. امیلی ویلدینگ جلو اسب شاه دوید و کشته شد، سافرجیست های دیگر مخفیانه دست به آتش سوزی زدند... سیلویا دریافت که این گونه از میلیتنتسی مخفیانه مردم را نسبت به سافرجیست ها بیشتر بیگانه می کند. در مقابل، سیلویا احساس کرد در میلیتنتسی علنی، اگر سافرجیست خودش را تسلیم پلیس کند، مکمل سامان دادن یک جنبش فراگیر خواهد گردید. سیلویا این تاکتیک را در تظاهرات ۱۷ فوریه ۱۹۱۳ با شکستن شیشه دفتر بنگاه مراسم تشییع جنازه امتحان کرد، و زندانی شد. سیلویا، فرا تراز اعتصاب غذا دست به اعتصاب غذای خشک زد. بعدها، سیلویا ماجرای شکستن اعتصاب غذایی توسط شکنجه گران (واژه از من) زندان را چنین شرح داد:

یک نفر سرم را گرفت و پارچه ای زیر چانه ام گذاشت. چشمانم را بستند. من دندانهایم را بهم فشردم و با تمام قدرت لبانم را سفت روی دندانهایم فشار دادم. احساس کردم دست مردی تلاش می کرد لبانم را باز کند؛ آنچنان نفسم می زدم که گویا دارم خفه می شوم. انگشتانش فشار می آوردند تا لبانم را باز کرده و بدون دهانم بروند. من انگشتانش را احساس می کردم و چیزی آهنی دور لثه هایم فشار می آوردند، من شکافی بین دندانهایم احساس کردم، تلاش کردم سرم را با حرکتی تند به عقب زده و دهانم را آزاد کنم. ولی، دونه سرم را گرفته بودند و دونه دیگر دهانم را می کشیدند. من نفس نفس می زدم، حالا تند و تند، بعد جیغ آرام، سپس بلندتر. یکی از شکنجه گران می گوید شکافی پیدا کردم، دیگری می گوید نه اینجا بهترش است. یک شیئی فولادی به لثه هایم فشار داده و گوشت اش را برید. من خودم رابرای این درد وحشتناک آماده کردم. نه، آن شیئی خوب نیست، چیزی نوک دار بده. چیزی فرو رفت و دردی هولناک. من سرم را به عقب پرت کردم. آنها دوباره سرم را گرفتند. علیرغم اینکه با تمام قدرت به خودم فشار می آوردم، یک شیئی فولادی به دهانم فرو رفت. ناگهان، وقتی که پیچی چرخید، چیزی کم کم لثه هایم را باز کرد، مثل اینکه دندان را بکشند، من درد داشتم. آنها سعی می کردند لوله ای را در حلقم فرو کنند. من بیقرار تقلا می کردم، بخودم فشار آوردم تا گلویم را به بندم. فکر می کنم توانستند لوله را در گلویم فرو به برند، گرچه، من، به جز اینکه نا آرام دست و پا می زدم، چیزی نفهمیدم؛ آخر آنها گفتند: تمام شد!! وقتی که لوله بیرون آمد من بالا آوردم. این شکنجه هر روز دوبار و به مدت بیش از یک ماه ادامه یافت.

بالاخره، طبقه سرمایه دار انگلستان در سال ۲۰۱۸، به زنان حق رای، به سخن دیگر حق دخالت در سیاست، داد. ولی، هم چنان پدرسالاری نفس کشید. هنوز، مضاف بر استثماری روی کار فیزیکی و ذهنی، بدن زنان استثمار شد. زن بیش از پیش به کالا تبدیل گردید. صنعت سکس بخشی از فرایند انباشت سرمایه داری شد. تجاوز، خشونت (۲۳) به زنان... ادامه یافت. آسیه عبدالله، رئیس مشترک "حزب اتحاد دموکراتیک" کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه می گوید: رفتار داعش با زنان نوع افراطی همان کنش هائی است که هر روز در سرمایه داری های دموکراتیک علیه زنان اعمال می شود.

سازمان یابی رهائی زنان ایران

آنتونی گرامشی حاکمیت دولت را در جامعه مدنی، Civil Society، بیان می کند. جامعه مدنی عرصه مبارزه برای موقعیت است. دولت سلطه اش بر جامعه مدنی را از راه اجماع، بسان دموکراسی های لیبرال و یا با کاربرد ملقمه ای از اجماع و قهر، مانند سرمایه داری ایران با ایدئولوژی مذهب شیعه برقرار می کند. جنبش های اجتماعی از پائین و با افق خود گردانی یا خود مدیریتی (۲۴)، مبارزه برای موقعیت را به سود قدرت از پائین سوق داده و در تداومش دولت را زائد می کند. جامعه از سلطه دولت رها گردیده و ملت-دموکراسی جایگزین ملت-دولت میشود.

کارگران زن و مرد در موسسات تولیدی-خدماتی کار می کنند. ولی، محلات کارگری، گذشته از کارگران شاغل، مکان زندگی بیکاران، خانوادها، خویشاوندان، دوستان و همسایه ها را شامل می شوند. محلات کارگری نوعی از همبستگی را نمایندگی می کنند و نطفه هائی از کمونگرایی اند. از گذشته، احزاب چپ بنا به درون مایه پدرسالاری، در نهایت عطف توجه شان به گونه هائی از سازمان یابی کارگران شاغل مرد محدود بوده است. در سال ۱۸۶۸، انترناسیونال اول خواهان حق رای برای مردها گردید. همسر مارکس "جنی فن وستقالی" زن باهوشی بود. جنی از شرایط سوخته شدن جسم، جان و توانی ذهنش به عنوان زن خانه دار با دخترش النا درد دل می کرد. کنش فمینیستی النابی تاثیر از شرایط مادر نبوده است. بی شک، مشکلات زنان، بیشترین معضلات محلات کارگری را تشکیل می دهند. و به همین سیاق، محلات کارگری بالقوه، اندر توان، گستره ای از غنای سازمان یابی را عرضه می کنند:

۱- منازل کارگری مکانی برای آموزش دادن و آموزش گرفتن و تشکل یابی. به چند مورد اشاره شود. بسیاری از زنان پدرسالاری، یا برتری مرد به نسبت زن را همچون قانونی طبیعی مشاهده می کنند؛ مردسالارها با هر تلاشی برای روشنگری علیه تبعض به زن مخالفت خواهند کرد (۲۵). نقش زن در تولید مثل نسل تولیدکنندگان نیاز های اجتماعی و کنش درون خانه. به رسمیت نشناختن کار منزل و عدم استقلال اقتصادی زن و وابستگی اش به مرد. خشونت در خانواده (۲۶)، (۲۷). عدم استقلال تصمیم گیری فرزندان، بویژه دختران، از سن ۱۸ به بالا. نکوهش ازدواج زیر سن ۱۸. نکوهش چند همسری. ارتقا آگاهی اجتماعی زنان، آموزش مهارت ها... فعالین آگاه زن و مرد چه از درون خانه های محلات کارگری و یا از بیرون از محله می توانند روشنگری و سامان یابی درون خانه را کلید به زنند.

۲- بنا به شرایط عینی محله، بموازات کنش درون منازل کارگری و یا در مرحله بعد، ایجاد مهد کودک با مددکار. زمین بازی، با وسایل، بچه ها. رختشوخانه عمومی محله، کتابخانه محله.

۳- گشایش خانه محله، برای بهم آمدن مردم محله، برای بحث و گفتگو و دیدار و غیره.

۳-۱- ارتباط محلات و انتقال و مبادله تجربیات.

۴- بنیاد کردن انجمن محله، تشکلی از پائین، برای اداره دموکراتیک محله (۲۸). هم اکنون، شوراهای دهات و شهرها وجود دارد. چرا نه باید انجمن محله وجود نداشته باشند. تشکلی انجمن های محلات هم نیاز به درایت و هم اتحاد مردم محلات دارد (۲۹).

۴-۱- شرکت و تاثیر گذاری در شوراهای شهر و دهات. شکی نیست، رژیم ولایت فقیه با مهندسی انتخابات می خواهد عواملش سر از صندوق انتخابات در آورند. اما، سؤال این است که مردم واکنش نشان خواهند داد، یا نه؟ (۳۰).

۵- بموازات پیشرفت در عملی کردن کنش های بالا، همسران کارگران مرد نه به عنوان خانه دار، بلکه بسان همرمز کارگران مرد پدیدار شده و در اعتراضات و اعتصابات کارگران مرد همراه با فرزندان و خویشان شرکت کرده و تحولی کمی و کیفی در مبارزه طبقاتی بین کار و سرمایه بوجود خواهند آورد (۳۱).

۶- تغییر و آلودگی بوم زیست، آب و هوا، حیات انسان ها و کره زمین را جدا تهدید می کند. مبارزه

برای بهبود حفظ محیط زیست، رهائی زن، دموکراسی از پائین، مردم سالاری، سه رکن پایه ای تحول جامعه سرمایه داری به مدنیت مبتنی بر تولید اجتماعی برای تامین نیاز آحاد انسانها چالش های قرن بیست و یکم را باز گوئی می کنند.

۱-۶ روابط سرمایه داری بانی تجاوز و تخریب محیط زیست است. بنا بر تولید برای سود، سرمایه داری قادر نیست بنیادی علیه تغییر و آلودگی بوم زیست کنش کند. هر سال بواسطه آلودگی هوا در ایران ده ها هزار نفر به امراض تنفسی مبتلا شده و ده ها هزار نفر از بین می روند. رودخانه ها آلوده شده اند، دریاچه ارومیه بمب ساعتی آلودگی و تخریب بوم زیست گردیده است. استفاده از سوخت مواد نفتی گاز انیدریک کربنیک، منشا گرمایش کره زمین، را تولید می کنند. بارآوری انرژی های تجدید پذیر پیوسته، نظیر صفحات انرژی خورشیدی، Solar Panels، (۳۲) افزایش می یابد. ایران شرائط مساعد برای انتقال هر چه بیشتر از سوخت فسیلی و انرژی اتمی به انرژی های تجدید پذیر خورشیدی دارد. رژیم سرمایه داری ایران با سلامتی و زندگی مردم ایران بازی می کند. سؤال حیاتی، به عنوان یک عرصه بسیار مهم، بالاخره مردم ایران مبارزه علیه آلودگی و تخریب محیط زیست را جدی خواهند گرفت؟ (۳۳)

۷- گرایشات متنوع چپ تاکنونی از عرصه های سه گانه تولیدی-خدماتی، محلات زندگی و فضای بین ایندو، تنها به گونه هائی در فضای تولیدی-خدماتی کنش کرده اند (۳۴). برای نمونه، در نهایت از حقوق زنان دفاع می کنند. قرار است بعد از پیروزی انقلاب زنان حقوق شان را بدست آورند. جنگ موقعیت آنتونی گرامشی مبارزه در هر سه عرصه از جامعه مدنی، Civil Society، به چیرگی دولت خاتمه داده و جامعه مدنی دموکراتیک طلوع می کند.

مراد عظیمی

۲۰۱۷/۰۵/۲۴

توضیحات

۱- بین النهرین، مسوپودمیا، به سرزمین های بین دو رودخانه دجله و فرات، که از کوههای کردستان شمالی در ترکیه سرچشمه گرفته و در جنوب عراق به هم پیوسته و شط العرب را می سازند، اطلاق می شود.

۲- عبدالله اوجلان رهبر کردها

۳- با بهره گیری از یادداشت های مارکس از تحقیقات لونیز هنری مورگان، فردریش انگلس کتاب بسیار ارزشمند "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" را نوشت.

۴- تاریخ اضافی، History Extra، ویکی پدیا.

۵- تاریخ ازدواج در انگلستان.

۶- جون اسمیث، "اخلاقیات، سکس، پول و قدرت در قرن بیست و یکم" ص ۸۶، نوشته جون اسمیث

۷- همانجا، ص ۸۷

۸- همانجا، ص ۸۷

۹- همانجا، ص ۹۵

۱۰- همانجا، ص ۸۸

۱۱- تامس پن، عقل گرا، بی دین، انقلابی، در انقلاب استقلال آمریکا علیه زادگاهش انگلستان جنگید و در انتقاد از نوشته لرد ادمونت برک علیه انقلاب کبیر فرانسه، کتاب معروف "حقوق انسان، Rights of man" را نوشت.

- ۱۲- مقدمه کتاب "دردفاع از حقوق زنان" شیلا روباثم
- ۱۳- جنبش حق رای برای زنان یا سافرجت، ویکی پیدا
- ۱۴- "سیلویا پانکهرست، سافرجیست، سوسیالیست و بلای امپراطوری بریتانیا" نوشته کاترین کانلی.
- ۱۵- اتحادیه های سنتی صنفی محافظه کار، که در کنگره اتحادیه های کارگران صنفی متشکل شده بودند، احساس تعلق و همبستگی به کارگران یدی یا بدون مهارت نداشتند، و آنها را به امان سرمایه داران گذاشته بودند.
- ۱۶- زندگی نامه النا مارکس، نوشته ریچل هلمز، (Rachel Holmes).
- ۱۷- همانجا، النا نه تنها به ویل ثورن کارگری سواد صنعت گاز سواد آموخت، بلکه تحت آموزش سیاسی النا، وی نامبرده سخنرانی فصیح، رهبر اتحادیه کارگران گاز و بعد ها نماینده پارلمان از حزب کارگر گردید.
- ۱۸- جامعه فابین های، Fabians Society، انگلستان در سال ۱۸۸۴ تاسیس شد و هوادار برپائی سوسیالیسم دموکراتیک تدریجی از طریق اجرای اصلاحات بود. فابینیسم پایه های ایدئولوژیک احزاب رفرمیسم، از جمله حزب کارگر انگلستان، را تشکیل داد.
- ۱۹- "سیلویا پانکهرست، سافرجیست، سوسیالیست و بلای امپراطوری بریتانیا" نوشته کاترین کانلی، ص ۱۷
- ۲۰- همانجا، ص ۱۸
- ۲۱- همانجا، ص ۱۹
- ۲۲- همانجا، ص ۲۵
- ۲۳- برابر با آمار، در پاکستان ۷۰ درصد مردها زنانشان را کتک می زنند.
- ۲۴- کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه، به مثابه اولین تجربه تحول جامعه از پائین با همیاری زنان و مردان، می تواند قطب نمای خوبی برای ایران و سایر کشورها گردد.
- ۲۵- در فرایند بیداری زنان خانه دار برای شرکت در فعالیت سیاسی در روجاوا، کردستان سوریه، کم نبودند شوهرانی که به همسرش می گفت یا من یا فعالیت سیاسی. ولی، کم کم یخ ها آب شدند.
- ۲۶- در کردستان شمالی واقع در کردستان، اگر مردی زنش را کتک بزند، مردم محله تحریمش می کنند. مهم تر از این، در کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه، اگر شوهری زنش را کتک زده باشد، علیرغم بخشیدن زن، برابر با قوانین حمایت از زن، مرد حداقل سه ماه زندانی می شود.
- ۲۷- خانم فرزانه جلالی جزئیات تازه بازداشت فرزانه جلالی، فعال گُرد حقوق زنان

فرزانه جلالی، فعال مدنی و حقوق زنان بعد از بازداشت به بازداشتگاه اداره اطلاعات کرمانشاهان مشهور به «بازداشتگاه میدان نفت» منتقل شده و روز گذشته این فعال بازداشتی طی تماس کوتاه تلفنی از نگهداری خود در این بازداشتگاه امنیتی خبر داده است. دوشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۱۷، ساعت ۹:۱۰

مرکز خبر - خبرگزاری فرات

فرزانه جلالی، فعال مدنی و حقوق زنان بعد از بازداشت به بازداشتگاه اداره اطلاعات کرمانشاهان مشهور به «بازداشتگاه میدان نفت» منتقل شده و روز گذشته این فعال بازداشتی طی تماس کوتاه تلفنی از نگهداری خود در این بازداشتگاه امنیتی خبر داده است.



شبکه حقوق بشر گردستان با استناد به یک منبع آگاه گفت: روز پنج شنبه ۵ اسفندماه نیروهای امنیتی طی یک سناریو با هماهنگی اداره ثبت اسناد کرمانشاه، با این فعال گُرد تماس تلفنی قرار گرفته و از وی خواسته‌اند برای تکمیل نقض پرونده اداری‌اش، به این اداره مراجعه نماید. در حین مراجعه به اداره ثبت در جلوی اداره پست چند مامور لباس شخصی جلوی او را گرفته و بدون داشتن حکم قضایی از وی می‌خواهند همراه آنان بروند که با مقاومت این فعال مدنی روبرو شده و در نهایت به زور او را سوار یک خودروی شخصی کرده و ربودند.

به گفته‌ی این منبع، نیروهای امنیتی مستقیم این فعال حقوق زنان را به بازداشتگاه اداره اطلاعات در میدان نفت منتقل کرده و بعداً به منزل مادر ایشان مراجعه کرده و ضمن تفتیش منزل، بیشتر وسایل شخصی ایشان شامل لبتاب، کتاب‌ها و دست نوشته‌ها و... را ضبط کرده‌اند. روز گذشته وی طی یک تماس تلفنی کوتاه با خانواده خود، از نگهداری‌اش در بازداشتگاه اداره اطلاعات کلان‌شهر کرمانشاه خبر داده است. این منبع در پایان افزود، فرزانه دارای بیماری گوارشی و دیسک کمر می‌باشد و نگهداری ایشان در سلولهای انفرادی این بازداشتگاه امنیتی بدون حق در اختیار داشتن دارو، سبب نگرانی در خصوص وضعیت سلامتی‌اش شده است. فرزانه جلالی، فارغ التحصیل رشته مردم شناسی دانشگاه تهران، عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه تهران و مدیر مسئول سابق روزنامه صبح دانشگاه تهران می‌باشد، وی به دلیل فعالیت‌های دانشجویی علی‌رغم کسب رتبه ۶ در کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۹ از ادامه تحصیل محروم شد. این فعال مدنی در سال‌های اخیر در حوزه‌های زنان و حقوق کودکان فعال بوده است و از جمله می‌توان به حمایت از دانش‌آموزان آسیب دیده حادثه آتش سوزی مدرسه روستای شین آباد و پیگیری مطالبات آنان بوده است. وی چند روز بعد آزاد شد.

۲۸- برای اختصار دو مورد را نقل می‌کنم. خانم ناهید اسکندری، عضو شورای شهر سرکان در استان همدان می‌گوید که پس از انتخاب شدن، سنگهای سر راه بزرگتر هم شدند. او که حقوق خوانده در مصاحبه‌ای به شبکه یلدا گفته خانواده‌ای داشته که از او بشدت حمایت کردند، اما در داخل شورا کارش اصلاً آسان نبود: «باورتان نمی‌شود خیلی سخت بود... فرماندار وقت من را قبول نداشت و خیلی مشکلات داشتیم». من تمام اینها را با صبوری تحمل کردم. هیچ‌کس قبول نداشت و وقتی هم که رئیس شده بودم هیچ‌کس حرفم را نمی‌خواند... بعضی از همکارانم می‌گفتند جای تو در پستوست. مقاومت‌ها در برابر مدیران زن حتی به رنگ لباس و ظاهرشان هم کشیده می‌شود. رنگ‌های مورد علاقه ناهید اسکندری، نماینده جوان و ۳۱ ساله شورای شهر مهاجران، بعضی از اهالی این شهر یازده هزار نفره را عصبانی کرده بود: «متعصب‌ها یکی دو بار نامه زده بودند به این طرف و آن طرف که خیلی لباس‌های رنگی است و روسری‌های قرمز و این که چرا صورتی می‌پوشد. خواستندم و رفتم برای فرمانداری توضیح دادم. آخر سر آنها هم گفتند پوشش خودت است و به خودت ارتباط دارد. الان دیگر مشکلی ندارند. افراد کمی بودند که در ذهن و فرهنگشان این بود که دختر نباید اصلاً بیرون بیاید یا اگر می‌آید با حجاب خیلی سفت و سخت بیاید. من ولی به نظر خودم حجاب خیلی معقول است و مردم هم هیچ مشکلی ندارند».

آستین‌ها بالا، دست‌های پر

در روستای ما همه به خاطر خشکسالی و نبود آب در حال مهاجرت بودند. تصمیم گرفتیم ببینیم «مشکل از دولت ماست یا همان مردم روستا هستند که پیگیر نیستند و خانه‌ها در حال خراب شدن است» و اینگونه شد که فاطمه کاظمی که تحصیلاتش را در شهر ادامه داده بود، وقتی به روستایشان، بشاره، برگشت تصمیم گرفت نقشی پررنگ‌تر به عهده بگیرد. نتیجه حضورش خیلی زود مشخص شد: «در این مدت روستای ما هشتاد درصد فرق کرده است. خیابان اصلی را تعریض کردند و آسفالت شده و گاز و برق داریم... هیچ خانمی در روستا بیمه نبود ولی ما نزدیک پنجاه نفر را ثبت نام کردیم و معلم از فنی و حرفه ای آمد و با کمک رئیس سازمان فنی حرفه‌ای کلاس قالی بافی تشکیل دادیم و بیمه زنان هم درست شد. بیماری ناهید اسکندری، نماینده شورای سرکان، باعث شد به یک نیاز اساسی زنان شهرش پی ببرد: مرکز ماموگرافی و سونوگرافی. نیازی که برای سالها از چشم مردان شورا پنهان مانده بود. ناهید اسکندری ناچار بود برای درمان بیماری اش از سرکان تا همدان یا تهران که - بیش از ۴۰ کیلومتر تا سرکان فاصله دارد - سفر کند: "گفتم خب من این توانایی را دارم و می‌توانم شهر دیگری دکتر بروم ولی همسر بعضی از خانم‌ها به آنها اجازه نمی‌دهند پیش پزشک مرد بروند یا توانایی مالی ندارند که به شهر دیگری سفر کنند. چون این شهر یک مرکز سونوگرافی یا ماموگرافی ندارد، باید بمیرد؟ ناهید اسکندری - عضو شورای شهر سرکان - موفق نشد که برای شهر کوچک سرکان مرکز ماموگرافی تاسیس کند چون جمعیت پایتیش به حد نصاب وزارت بهداشت نمی‌رسید. اما از پا ننشست. "گفتم خیلی خوب به سرکان تعلق نمی‌گیرد اما به تو سرکان که تعلق می‌گیرد. به من می‌گفتند شما عضو شورای شهر سرکان هستی و به تو سرکان چه کاری؟ گفتم درست است که من عضو شورای سرکان هستم، ولی من نماینده کل بانوانم. برای من فرقی نمی‌کند. آنقدر رفتم و آمدم تا این مرکز افتتاح شد. منبع، سایت فارسی بی بی سی.

- ۲۹- درس آموزی از کارکرد کمون‌های کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه، انقلاب روجاوا.
 ۳۰- تا لحظه پایان نوشته حاضر، مردم پاوه علیه تقلب و تخلف در انتخابات شورای شهر-ده و ریاست جمهوری همچنان اعتراض کرده و خواستار تجدید انتخابات هستند، همچنین مطابق گزارش خبرگزاری فرات نیوز، ان اف، در انتخابات شورای شهر-ده سنندج، مریوان، ارومیه، خوی، هواز، گیلان، کرمانشاه، ایلام تقلب شده است. در شهر بانه واقع در کردستان با اعتراضات مردم انتخابات باطل شد. در شهرهای ایلام و کرمانشاه مردم تشکیل جلسه دادند تا نسبت به تقلب در انتخابات تصمیمات مقتضی بگیرند.
- ۳۱- نقش زنان در سازمانیابی. حزب اتحاد دموکراتیک روجاوا سال ۲۰۰۳ در حلب تاسیس شد. جمهوری بعث سوریه کردهای شمال سوریه را سرکوب می‌کرد. سازمانیابی مشکل بود. همه جا عناصر سازمان امنیت دولت بعث سوریه کمین کرده بودند. بهرو، به مردان کرد بیشتر مشکوک بودند تا به زنان. از اینرو، بارسنگین ارتباطات به دوش زنان افتاده بود.
- ۳۲- عربستان سعودی پروژه استفاده از انرژی تجدید پذیر خورشیدی برای تولید برق و نمک زدائی آب دریا به راه می‌اندازد.
- ۳۳- مردم مریوان علیه ساختن کارخانه ای در جوار رودخانه- موجب آلودگی رودخانه خواهد گردید- دست به اعتراض زدند. در پاوه، دوستان حفظ محیط زیست بهم آمده و آشغال‌های محل تفریح مردم را جمع‌آوری کردند.
- ۳۴- احزابی که در اشکال سازمان‌های مردمی عجین نشده باشند، در معنی کلاسیک سیاسی نیستند. درحقیقت این‌ها هستی‌هایی بوروکراتیک و طرفدار ضد سیاست‌های مشارکتی و شرکت شهروندان در سیاست هستند. درحقیقت واحد واقعی زندگی سیاسی اداره شهرداری هاست، جایی که کوچکتر است، همه جمعیت را شامل می‌شود و بنابه وسعت اش به مدیریت‌های فرعی به خصوص محلات تقسیم می‌شود. **ماری بوکچین**

هر هستی اقتصادی جزئی از یک چهارچوب نهادی آزاد... بخشی از یک کل بزرگتر را شامل می شود، که توسط شهروندان در مجمع شهروندی، نه به عنوان کارگر، کشاورز و یا هرگروه دیگر علاقمند به حرفه معینی، کنترل می شود. ماری بوکچین

